# نگاهی بر زمینه‌های رشد نمایشنامه در امریکا از آغاز تا پایان قرن بیستم

تألیف:

[redacted] ناصری

(استادیار دانشگاه خلیج فارس)

www.ketab.ir

انتشارات نوید شیراز

سرشناسه : ناصری، فهیمه،
عنوان و نام پدیدآور : نگاهی بر زمینه‌های رشد نمایشنامه در آمریکا از آغاز تا پایان قرن بیستم/ مولف فهیمه ناصری.
مشخصات نشر : شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری : ۱۳۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۵۹۸-۶
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : واژه‌نامه.
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۱۵.
موضوع : نمایشنامه آمریکایی
رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ۸ن۲ن/PS ۶۲۳
رده بندی دیویی : ۸۱۲/۵۱۴
شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۹۰۸۰۱

**نگاهی بر زمینه‌های رشد نمایشنامه**
**در امریکا از آغاز تا پایان قرن بیستم**

**تألیف: فهیمه ناصری**

صفحه آرایی: مهکامه اسکندری‌نیا□طرح جلد: [illegible] و تبلیغات سی راه
لیتوگرافی و چاپ: واصف□ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد□ چاپ اول: ۱۳۹۵□حق چاپ محفوظ

**ناشر: انتشارات نوید شیراز**

دفتر شیراز-تلفن ۶۲-۳۲۲۲۶۶۶۱ نمابر ۳۲۲۲۹۶۷۶-۱
دفتر تهران-تلفن ۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر۸۸۹۲۱۵۲۲-۰۲۱
پست الکترونیکی: navideshiraz.pub@gmail.com
وب سایت: www. navideshiraz. com
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۵۹۸-۶ ISBN: 978-600-192-598-6

۱۳/۰۰۰ تومان

www.ketab.ir

## فهرست مطالب


مقدمه ..... ۷

**بخش اول: زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی نمایشنامه در امریکا از آغاز تا سال ۱۹۷۰ ..... ۱۵**

**بخش دوم: نمایشنامه در امریکا بعد از دهه هفتاد قرن نوزدهم تا پایان جنگ جهانی دوم ..... ۲۱**

---نمایشنامه در بین سالهای جنگهای داخلی تا سال ۱۸۹۶ ..... ۲۵

--- نمایشنامه بین سالهای ۱۹۴۵-۱۹۱۵ ..... ۳۰

--- نمایشنامه‌های فولکلور ..... ۴۰

---نمایشنامه‌های کمدی ..... ۴۳

**بخش سوم: نمایشنامه‌های بعد از جنگ جهانی دوم تا پایان قرن بیستم ..... ۴۷**

--- نمایشنامه‌های بعد از جنگ در دهه‌های پنجاه و شصت ..... ۶۴

--- نمایشنامه بعد از سال ۱۹۷۰ تا پایان قرن بیستم ..... ۸۹

خاتمه ..... ۱۱۵

کتابنامه ..... ۱۱۷

واژه نامه ..... ۱۲۵


www.ketab.ir

مقدمه

در تعریف نمایشنامه از آن بعنوان یک نوع ادبی یاد میشود که بروی صحنه می‌آید. این زنبه ممکن است به نمایشنامه موقعیتی فرعی در بین انواع دیگر ادبی مثل شعر و داستان بدهد. علاوه بر آن بنظر بعضی منقدین محل اجرای نمایشنامه به مضمون آن جنبه ایدئولوژیک می بخشد و ممکن است از ارزش زیباشناختی آن بکاهد. دیگر اینکه این احتمال وجود دارد که انتقال متن نمایشنامه به اجرا ممکن است سؤالاتی را در زمینه دریافت کلام و متن در ذهن ایجاد کند. اینکه اجراهای یک نمایشنامه در مکانهای مختلف و توسط گروههای متفاوت ممکن است ابعاد جدیدی به معانی در نظر گرفته از آن بدهد بحثی اجتناب ناپذیر است ولی این مطلب را نیز نباید از یاد برد که با هر بار خواندن نمایشنامه، محتوای آن بنوعی در ذهن خواننده اجرا میشود و از اینرو حتی در دیدن اجرای نمایشنامه نوع تصویری که در ذهن بیننده نقش می بندد حائز اهمیت است. به این دلیل است که در این مجمل واژگان نمایشنامه و تئاتر یکسان فرض شده اند مگر اینکه اجرای نمایشنامه به مضمون آن ویژگی خاصی ببخشد.

نکته دوم این است که وقتی سخن از نمایشنامه در امریکا یا نمایشنامه امریکایی به میان می آید این سؤال به ذهن میرسد که این صفت و مکان چه ویژگیهایی به این نوع ادبی می دهد وآنرا با نمایشنامه در دیگر نقاط دنیا از جمله

www.ketab.ir

انگلیس و اروپا متفاوت می سازد. برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید واژه امریکایی بودن را آنطور که در ابتدای ظهور این کشور وجود داشت و نویسندگان پیشگام نمایشنامه از آن برای آثار خود استفاده کردند تعریف کرد. پیش از قرن شانزدهم ساکنان امریکای کنونی را افراد بومی ان کشور که به غلط در بعضی نوشتارها از آنها بنام سرخپوستان یاد میشود تشکیل می دادند. بعد از شروع سیل مهاجرت به این کشور افرادی در آنجا ساکن شدند که یا اروپایی بوده و یا اجداد اروپایی داشتند. آنان کسانی بودند که تعصبات، سلسله مراتب اجتماعی و شیوه رفتار اجدادی خود را پشت پا نهاده و روشی جدید با آرمانهای متفاوت را برای زندگی خود اتخاذ کردند. تعریفی که ساکنان جدید امریکا برای هویت جدید خود کردند این بود که امریکایی کسی است که رفتاری متفاوت با هموطنان سابق خود دارد، از قانونی جدید پیروی میکند، آرمانهای متفاوتی دارد، سیستم ارباب و رعیتی را زیر پانهاده، وابستگی و کار بیهوده را رها کرده و تلاشش منجر به بهره مندی مناسب برای خودش میگردد. پرشروند سرزمین شادیها و دستآوردهای بشری است که نعمتهای خداداد را با پیروزی مادی و معنوی درآمیخته است. کسانی که این گفتمان جدید را ایجاد کردند ازعقلانیت جان لاک، فلسفه پاکدینان، حرکت روشنفکری اروپا، عقاید جمهوری طلبان عهد کلاسیک، معیارهای سیاسی جنگهای داخلی انگلیس و اصول اخلاقی مردم امریکا استفاده کردند. جهت ایجاد این هویت جدید ملی برای افرادی که از لحاظ پیشینه بسیار متفاوت بودند تلاشهای زیادی مخصوصاً در زمان جنگهای استقلال انجام گرفت. اینکه نگرشی مساوات گرایانه در بین جامعه بوجود آید. از جمله این تلاشها نوشتن مقالات، رسالات و نمایشنامه بود. بعضی از این نمایشنامه ها تبلیغاتی بوده و بصورت جزوه نوشته شده و در بین مردم پخش می گردیدند. اینگونه نمایشنامه ها نقشی بسیار مؤثرتر از رسالات و مقالات جهت پررنگ کردن هویت جدید ملی ایفا کردند. به عبارت دیگر یکی از رسالات اولیه این نوع ادبی در امریکا این بود که هنر را در

www.ketab.ir

خدمت سیاست قرار داد و از این جهت است که ظهور و رشد ادبیات نمایشی مشخصاً امریکایی یا نمایشنامه در امریکا بطور عمیقی با عقاید آزادیخواهانه و استقلال طلبانه در این کشور و شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن آمیخته است. در واقع این امر مربوط به جنبه تقلیدی نمایشنامه میشود و اینکه تا چه حد نویسندگان امریکایی این ویژگی و آرمانهای مدینه فاضله جامعه نوساخته در امریکا را باهم در آمیخته و از آن برای پیشبرد اهداف خود بهره جستند. ولی تقلیدگر بودن نمایشنامه نیز مباحث زیادی در بر دارد که بطور اجمال در زیر به آن می پردازیم.

از زمانی که ارسطو نمایشنامه را تقلیدی از واقعیت دانست قرنها گذشته که در طی آنها این نوع ادبی تغییرات زیادی را به خود دیده است. تقلیدی که منظور ارسطوست نوعی دوباره خلق کردن است؛ به این معنا که دنیایی در نمایشنامه ترسیم شود که اگر چه افراد در آن دارای نقاط ضعفی هستند که باعث ایجاد مشکلات و مصائبی برایشان میشود ولی در نهایت همه چیز بطریقی ایده‌آل پایان می‌یابد و نظم بر جهان حاکم میشود. لذا آنچه که در دنیای نمایشنامه ارسطویی اتفاق می افتد غیر واقعی است زیرا که در دنیای واقعی افراد بیگناه از بین میروند، در جامعه شورشها برپا میشود و نظمی بر جهان حاکم نیست در واقع آنچه ارسطو انجام میدهد تا حدی جنبه سیاسی دارد، بدان معنا که احتمالات و غلیانات ضد حکومتی که ممکن است نظم جامعه را بهم بزنند وبه آشوب بیانجامند را غلط بنداشته و سعی خود را بر این می نهد که احساسات بظاهر مخرب را فرد دور کرده، جامعه را منزه نموده و نظم را بر آن حاکم کند. از نظر نمایشنامه نویسان قرن بیستم و بیست و یکم این کار فریب دادن اذهان است زیرا ممکن است فرد بعد از دیدن اجرای اثر دست از احساسات پرشور خود بردارد و این چیزی نیست مگر بنفع حاکمان جامعه که خواهان سرکوب کردن اینگونه غلیانات و تمایلات هستند. همچنین آنچه که ارسطو از آن بعنوان "عیب و اشتباه مرگ آور" نام

www.ketab.ir

میبرد در واقع همان خصوصیتی است که در جامعه زیاد مورد پذیرش نیست و در باره افرادی صادق می باشد که در حاشیه طبقات اجتماعی قرار دارند. ولی اگر با نگاهی دقیق به این موضوع بنگریم می بینیم که این شخصیتها موضوع بسیاری از نمایشنامه های قرن بیستم و بیست و یکم می باشند که نویسندگان آنها با قلم بدست گرفتن و نوشتن در مورد اینگونه افراد، سعی در اصلاح جامعه خود کرده و به روشی که آنرا واقعگرایی خواندند بنحوی طرفدار جامعه ایده آل افلاطونی بودند که ارسطو به طریقی دیگر درصدد حفظ آن بود.

در امریکا جنبه واقع گرایی نمایشنامه بیشتر بعد از جنگ دوم جهانی در آثاری که درباره واقعیات خانواده های امریکایی بود دیده میشود. این آثار دنیایی را ترسیم می کردند که نظم بر آن حاکم بود و مردم جامعه به اصول اخلاقی و مذهبی پایبند بودند و نوعی سنتی به زندگی داشتند. ولی در اواخر دهه های چهل و پنجاه نویسندگان اروپایی و انگلیس تحت تاثیر عقاید برتولت برشت بودند نویسندگانی همچون وی زان ژنه و اوژن یونسکو مفهوم "حقیقت" را زیر سؤال بردند و بتدریج جنبه های ضد تقلیدی و ضد واقعیت گرایانه را در نمایشنامه وارد کردند. این جنبه ها تعاریف موجود بودن" را که از نظر آنان محدودکننده بود به چالش کشیده و حتی مفهوم "امریکایی بودن" را از جهات نژادی، قومی، جنسیت و طبقه اجتماعی و فرهنگی زیر سؤال بردند. به همین دلیل در دهه های پنجاه و شصت نمایشنامه ای در امریکا رایج بود که جنبه ضد واقع گرایی داشت؛ به این معنا که نویسندگان لایه های سطحی واقعیت را نشان داده و زمان و مکان را در اثر طوری بهم می آمیختند که به هر زمان و مکانی اشاره کند. در اینگونه آثار شخصیتها صحبت نمی کنند، هویت ثابت ندارند و رفتارشان روی صحنه چیزی بین ایفای نقش بعنوان هنرپیشه و حضورشان بعنوان یک فرد است. آنزمان که بازیگران ایفای نقش می کنند گویی که رفتار غیرواقعی دارند و زمانی که خودشان هستند رفتارشان واقع گرایانه است. بدین طریق نویسندگان تلاش

www.ketab.ir

کردند که با نادیده گرفتن محدودیت هایی که واقع گرایی برایشان ایجاد میکرد شکل و برداشتی از واقعیت بسازند که براحتی قابل فهم نبود. عقاید این نویسندگان از نظر تئوری بر این مبنا بود که زبان، واقعیت را در هم می ریزد و لذا کارآیی لازم برای بیان آنرا ندارد. از طرف دیگر اینان عقیده داشتند که زندگی پوچ است و هدفی بدنبال ندارد. این دیدگاه نویسندگان اروپایی تاثیرخود را برنویسندگان انگلیسی هم گذاشت. نفوذ نویسندگان اروپایی همچون یونسکو، ژنه و بکت را در انگلیس می توان در آثار جان آزبورن مشاهده کرد. یکی از آثار او با عنوان با خشم به عقب نگاه کن در سال ۱۹۵۶ در تاریخ نمایشنامه در انگلیس انقلابی بوجود آورد. اگرچه که این نمایشنامه از لحاظ سبک سنتی است ولی خمیر مایه آن در باره "قهرمان جوان عصبانی" و شخصیتهایی از طبقه کارگر می‌باشد. بعد از آزبورن تام استارد در دهه های پنجاه و شصت ابعاد جدیدی به این نوع نمایشنامه در انگلیس بخشید.

در امریکا گروهی دیگر از نویسندگان در دهه پنجاه به نحوی دیگر به شکل‌گیری نمایشنامه در آن کشور کمک کردند. نویسندگانی مثل تنسی ویلیامز بدلایل و انگیزه های هنری و اقتصادی به حرکت خارج از سرادوی پیوستند. این حرکت بر آزادیهای شخصی در جامعه و نشان دادن واقعیت در هنر تکیه داشت. وی و آرتور میلر در دهه های پنجاه و شصت نسبت به مشکلات اجتماعی مردم عکس العمل نشان داده و مسائلی که در نتیجه تغییرات جامعه امریکا بوجود آمده بودند را در آثارشان به تصویر کشیدند. زمانیکه در دهه شصت سئوال ردیف وازه امریکایی بودن بین متفکران، هنرمندان و دیگر اقشار جامعه درگیری بوجود آمد، این نویسندگان این کشاکش را نیز در آثار خود منعکس نمودند. از مهمترین مسائل مطرح شده در این بحث میتوان بحران هویت را نام برد که نمایشنامه‌نویسان و بخصوص نویسندگان افریقایی- امریکایی همچون لورین هنسبری در آثارشان به آن پرداختند. موفقیت هانسبری بعنوان یک زن

www.ketab.ir

سیاهپوست آغاز دوره خوب و پرثمری برای نویسندگان سیاهپوست بود و گامی هرچند کوتاه به سمت حل بحران هویت به شمار می رفت. همچنین در طول دهه شصت نویسنده ای همچون امیری باراکا سعی کرد هنرش را در خدمت ملی‌گرایی سیاهپوستان و تشویق آنان برای تعیین سرنوشت خود قرار دهد. بدین طریق وی نیز به زمره نویسندگان پیش از خود که از نمایشنامه برای بیان ایدئولوژیشان استفاده کردند پیوست. اینگونه بود که در دهه های شصت و هفتاد نمایشنامه در امریکا سیاسی گردید. اینزمان همچنین شروع دوره پسامدرن در این کشور بود و موضوعات نمایشنامه ها را مباحث سیاسی- اجتماعی اعم ازمشکلات ناشی از تبعیضات بین طبقات اجتماعی، نژادپرستی و گرایشهای قومی و جنسیتی تشکیل می داد. نویسندگان اینگونه نمایشنامه ها مضامینی را برای آثار خود انتخاب کردند که سیاستهای حاکم و روش اداره جامعه را زیر سؤال برده و به چالش می‌کشید. در حقیقت آنها با قلم به دست گرفتن بر سیستم حاکم شوریدند و سؤالات اگزیستانسیالیستی و مسائل شناسی را در آثارشان مطرح نمودند که در جهت ضد واقعیت گرایی بود.

میتوان گفت که در واقع عکس العمل هنرمندان در این دوره بخشی از موجی بود که مدرنیزم فرهنگی را تشکیل می داد که در صدد خراب کردن دنیای قدیم و از نو ساختن آن بود. ولی مدرنیزم هم بدنبال معرفها و ارزشهایی بود که ثابت بوده و واقعیاتی غیر قابل انکار باشند، طوریکه نظمی خدشه ناپذیر به جهان بازگرداند. از نظر آنها چنین دیدگاههایی در مورد انسان و هستی می بایست به گونه ای معنوی و یا مذهبی باشد تا اینکه قداست داشته و اتحاد ایجاد کرده و فراگیر گردد. بعد از جنگ دوم جهانی این ارزشها بیش از پیش کمرنگ شده بودند و از سال ۱۹۷۰ به بعد فلسفه پوچی فراگیر شده و این باعث شده بود که فرد از لحاظ درونی تکه تکه شده و بی جایگاه گردد زیرا احساس تعلق در او از بین رفته بود. در حقیقت این شروع دوره پسا مدرن است و مشخصات آن عبارت از عدم

www.ketab.ir

اطمینان، بی هویتی، نداشتن جایگاه اجتماعی و امنیت هستند. به آثار هنری تولید شده در این دوره نیز پسا مدرن گفته میشود. به عبارت دیگر پسا مدرنیزم به عقاید، ارزشها و آثار فرهنگی که در این دوره وجود داشتند گفته میشود در حالیکه پسا مدرنیته به دوره تاریخی و اجتماعی که مربوط به انتقال از دوره مدرنیته است اطلاق میگردد. بعضی از خصوصیات نمایشنامه های پسا مدرن عبارتند از: تمرکز روی عدم ثبات معنا، عدم کارآیی زبان برای بیان حقیقت، شکستن ساختارهای زبانشناسی، عدم تبعیض بین فرهنگ طبقه بالا و پایین و رد این دسته بندی اجتماعی. نویسندگان آثار پسامدرن درک بسیار خوبی از گذشته داشتند و بر این عقیده بودند که آثار ادبی هرگز صد در صد خلاق نبوده و مدیون آثار گذشتگان می باشند. آنها همچنین تعریفی از آنچه که هویت را تشکیل میدهد نداشتند زیرا معتقد بودند که هویت لایه ها و ماسکهای مختلفی دارد طوریکه تشخیص بین هویت اصلی و دروغین کار آسانی نیست. از جمله آثاری که در این دوره نوشته شدند نمایشنامه های ژشت و آنتونین آرتاود هستند که بدنبال آنها تئاتر پوچی رواج یافت.

در ادامه این مقدمه خواهید دید که از ابتدای ظهور نمایشنامه، رابطه تنگاتنگ آن با زندگی مردم به آن نقشهایی را قبیل سرگرم کننده بودن و منعکس کننده شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه داده است. این همان چیزی است که در آنچه مارتین اسلین در باره تئاتر و نمایشنامه گفته است صادق می باشد. بنظر وی "تئاتر جایی است که یک ملت در معرض خود برابر خود فکر میکند".[1] این سخن اسلین این مطلب را به ذهن می آورد که ترجمه نمایشنامه در کشورها و فرهنگهای غیر اروپایی کم و بیش بیانگر روحیات آن جامعه بوده است. روح اصلی نمایشنامه از اروپا به سایر کشورها انتقال پیدا کرد.

---

[1] Martin Esslin, *An Anatomy of Drama* (New York: Hill & Wang, 1976), p. 101.

www.ketab.ir

ولی این تأثیر دوجانبه بوده و هست، طوریکه بعنوان مثال نویسنده ای امریکایی همچون آلبی آثاری خلق کردکه دنیای نمایشنامه را در جهان متحول کرده و الهام بخش نویسندگان معاصری همچون تونی کوشنر، مارشا نورمن، دیوید ریب، جان گواره، لانفورد ویلسون، وندی واسراستاین، پاولا وگل، امیلی مان، ریچارد نلسون و تینا هاو گردیدند که شرح آثار بعضی از آنها در این نوشته خواهد آمد.

www.ketab.ir